

پرده‌برداری دیوان صائب تبریزی از کتابخانه سلطان القرایی

همزمان با بیستمین سالگرد فقدان شیخ الفقهاء آیت‌الله العظمی حاج میرزا جواد آقا سلطان القراء التبریزی از نسخه خطی دیوان صائب از مجموعه نسخ خطی شان پرده برداری شد.

همزمان با بیستمین سالگرد فقدان شیخ الفقهاء آیت الله العظمی حاج میرزا جواد آقا سلطان القراء التبریزی از نسخه خطی دیوان صائب از مجموعه نسخ خطی شان پرده برداری شد. هفتم آذر ماه 1376 یاد آور رحلت ایشان است. نسخه بسیار نفیس خطی یاد شده شامل غزلیات فارسی صائب تبریزی دارای تاریخ کتابت 1076 قمری و همزمان با حیات شاعر است.

ز صد هزار سخنور که در جهان آید یکی چو صائب شوریده حال بر خیزد سخن گفتن در مورد صائب تبریزی؛ راجع به تولد، وفات و حیاتش مجالی جداگانه می طلبد اما هرگاه مورد سال وفاتش، سال 1087 قمری که عده ای از تذکره نویسان بر آن اتفاق قول دارند را در نظر بیاوریم و یا اگر ماده تاریخ اشرف مازندرانی شاعر (محمد سعید مازندرانی پسر محمد صالح مازندرانی) شاگرد و معاصر صائب و یا حتی عبارت حاوی ماده تاریخ (صائب وفات یافت) را که هر دو حاکی از وفات صائب به سال 1081 قمری است از نظر بگذرانیم: هر دو بودند بهم چون صورت و معنی قرین هر دو بودندی بهم چون لفظ و مضمون آشنا اتفاقاً هر دو در یک سال با هم متفق رخت بر بستند از اینجا جانب دار البقا روی با من کرد و گفت: اشرف بگو تاریخ آن چون ترا بودند ایشان اوستاد و پیشوا گفتم از ارشاد پیر عقل در تاریخ آن: "بود با هم مردن آقا رشید و صایبا" (منظور از آقا رشید در مصراع فوق عبد الرشید دیلمی خواهر زاده میر عمادالحسنی استاد اشرف در خط است – ارزش عددی مد بالای الف در کلمه "آقا" همانند الف "یک" محاسبه شده است – ریحانه الادب ج 2 ص 410) آیت الله العظمی سلطان القراء تبریزی (1319-1418 ه.ق.).

و بالاخره با ملاحظه تک بیت خود شاعر اینکه :

صفحه اول از نسخه خطی سلطان القرایی

«دواریعین به سرآمد ز زندگانی من هنوز درخم گردون شراب نیمرسم»

(فرهنگ اشعار صائب- احمد گلچین معانی- جلد اول- ص 34– نشر امیر کبیر – تهران 1373)،

نتیجه می گیریم که سنوات حیات شاعر بیش از 80 (دو اربعین) بوده است. از این موضوع به این نحو باید نتیجه گیری شود که سال تولد شاعر باید سنوات 7-1006 قمری یا سنوات نخستین قرن یازدهم (و یا حتی اواخر قرن دهم) باشد و با در نظر گرفتن اینکه تبریز از سنه 993 قمری تا 1012 قمری (سال فتح دوباره تبریز توسط شاه عباس صفوی)، حدود 20 سال تحت سیطره و حکومت عثمانی قرار داشته است (عالم آرای عباسی، اسکندر بیگ منشی، صفحه 639 و صفحات ماقبل آن) و کوچاندن ارباب صنایع، صاحبان حرف، تجار و اهل هنر و قلم و ادب (از جمله کوچ خانواده صائب) از تبریز به عباس آباد اصفهان توسط شاه عباس صفوی نیز بعد از فتح تبریز در سال 1012 قمری صورت گرفته است؛ لازم می آید که تولد صائب تبریزی قطعاً در تبریز و در زمان سیطره عثمانی ها بر تبریز اتفاق افتاده باشد.

اشعار و ابیاتی نیز در ثبوت ادعای فوق از زبان خود شاعر در دست است:

«صائب» از خاک پاک تبریز است هست سعدی گر از گل شیراز

و یا:

در بهار سرخ رویی هم چو جنت غوطه داد

فکر رنگین تو «صائب» خطه تبریز را

هم چنین:

تا قیامت گر به من «صائب» بنزد دور نیست

کی چو من آتش زبانی کشور تبریز داشت

باز در محلی دیگر :

ز حسن طبع تو «صائب» که در ترقی باد

بلند نام شد از جمله شهرها تبریز

همچنین ابیات بسیاری نیز در بیان مضامین و مفاهیم علایق و تعلقات شاعر نسبت به زادگاهش در دست است که به علت احتراز از اطناب کلام، از پرداختن به این موضوع اجتناب می شود.

گوردوم سنی گوزل لاله رخ ایوان آراسیندا گویا (کی) حوری دور جنت رضوان آراسیندا

وورموش اوزه قاره، گوزه سرمه، قاشا وسمه اورتوموش اوزونو زلف پریشان آراسیندا

بیر من ده گیلیم گول اوزونون وصفینه عاشق وارسان گۆزه لون مشهور سان ایران آراسیندا
قَدّی چو خرام ائيله دی جان دوشدو ایاقه گویا (کی) حوری دور روضه رضوان آراسیندا
طاووس کیمین چتر ووروب زلفه سالیب خم گویا کی لف دور چکیلوب خان آراسیندا
چکدون منی منصور کیمی داره یوخوم غم یاندرماغی کن آتش هجران آراسیندا**

(**) غزل ترکی صائب تبریزی منقول از یک جنگ خطی متعلق به اواخر دوره قاجار از کتابخانه علامه جعفر سلطان القرّائی
که نخستین بار در این محل آورده می شود. غزل ترکی منسوب به صائب تبریزی که عیناً از جنگ مزبور نقل شده، فاقد
بیت مقطع بوده و در چند محل آن افساد کاتب رخ داده است.)

صفحه دوم از نسخه خطی سلطان القرّائی

محققان و صاحبان اندیشه و نظر بیشتر از هر وجه دیگر شاعر بزرگ صائب تبریزی به سبک و طریقه اش پردازش کرده اند
و پرکار بودن او. چنانکه دیوانش را بالغ بر 120 هزار بیت و حتی بیشتر نیز نگاشته اند. خصوصاً در مقابل وفور و تعدّد
غزلیات فارسی اش، غزلیات ترکی او تنها شامل حدوداً 17 غزل بالغ بر تقریباً 130 بیت است. (نسخه خطی مکمل
بیشتر از هفتاد هزار بیت کلیات صائب کار هند از مجموعه سلطان القرّائی که قبلاً معرفی شده است.) در مورد فنّ ماده
تاریخ گویی، هر چند صائب شاعری شهره در فنّ ماده تاریخ گویی نیست؛ لیکن اشعار قلیلی در این فنّ دارد:

بر زبان خامه صایب به توفیق اله

این دو تاریخ آمد از الهام غیبی بر زبان

«باد یا رب قبله گاه سرفرازان جهان»

«بار گاه تازه سلطان سلیمان زمان»

با تو و خورشید تابان شمسه این نه رواق

برخورد از عمر و دولت این شهنشاہ جوان

در مصراع اول بیت ما قبل آخر سه بیت فوق، افساد کاتب وجود دارد؛ کلمه «جهان» به جای کلمه «زمان». با قراردادن
«زمان» به جای «جهان» از طریق حساب ابعاد یا حساب جمل، ارزش عددی این مصراع معادل تاریخ 1080 قمری می
شود اما ارزش عددی مصراع دوم همین بیت برابر 1081 قمری است البته بزرگان ماده تاریخ گوی یک سال (حتی دو
سال هم) اختلاف را جایز دانسته اند چنانکه در مورد تاج گذاری دوم شاه صفی ثانی و تغییر نام خود از شاه صفی به
شاه سلیمان؛ مصراع دوم بیت:

کلک صائب پی تاریخ نوشت: «شد سلیمان زمان شاه صفی»

از یک قطعه شعر پنج بیتی صائب تبریزی؛ حاوی سال 1079 قمری است در صورتی که سال اتفاق تاریخی مذکور را
1080 قمری نوشته اند (تاریخ ایران زمین؛ دکتر محمد جواد مشکور- تهران 1375- انتشارات اشراقی- صفحه
282). علاقه مندان در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر در این مورد می توانند به مقاله نگارنده این سطور که در
شماره یازدهم (پائیز 1385) فصلنامه سه علامه دانشگاه تبریز چاپ شده، مراجعه کنند.

همانطوری که از عنوان مقاله نیز برمی آید؛ هدف از نگارش آن معرفی دیوان غزلیات فارسی صائب تبریزی از مجموعه
سلطان القرّائی است. نسخه خطی نفیس یاد شده قرن ها متعلق به این خاندان بوده و از طریق شیخ عبدالرحیم
سلطان القراء و پسرش شیخ ابوالقاسم به آیت الله العظمی حاج میرزا جواد آقا سلطان القرّائی تبریزی منتقل شده
است.

این نسخه که اکنون در اختیار نجل مهترش امیر سرتیپ محمد سلطان القرّائی قرار دارد؛ شامل تاریخ کتابت دهم شهر
جمادی الاولی 1076 است. نسخه با جلد چرمی تک لا و ضربی مطلا که برخی از آن ریخته و بعد از کتابت آن، طی زمان
تجلید مجدّد یافته؛ بعضی از اوراقش نیز متن و حاشیه شده است.

نسخه خطی بسیار ارزشمند مذکور در 201 ورق و 401 صفحه تدوین یافته و شامل حدود 6 هزار و 200 بیت دیوان
غزلیات فارسی صائب تبریزی از الف تا یاء است. نسخه با مسطر 17 (عموماً در 16 یا 15 بیت) مدوّن شده است. نسخه
خطی مزبور در قطع وزیری کوچک 3/21&12/3 سانتی متر فراهم شده است.

مرحوم میر ودود سیّد یونسی در دو مقدمه به دو دیوان صائب تبریزی به تاریخ های مهر 1356 و مهر 1357 که از روی دو
نسخه خطی به خط صائب، اولی اهدایی حاج حسین آقا نخجوانی و دومی اهدایی حاج محمد آقا نخجوانی به کتابخانه
ملی تبریز (تاریخ اتمام کتابت نسخه دوم به امضاء و دستخط صائب روز جمعه غره ذیقعد الحرام سنه 1081 را نشانگر
است) به همت دانشگاه تبریز چاپ افست شده اند؛ ذیل شماره 8 آن مقدمه ها، در مورد نسخه سلطان القرّائی چنین
می نگارند:

نسخه نفیس از منتخبات دیوان صائب نوشته جمادی الاولی 1076 با جلد چرمی ضربی، مجدول، مذهب و دارای سر لوح
زیبا که در دو صفحه آغازش طلائع بوده و دارای قریب 240 برگ و 3 هزار و 600 بیت است.

البته مرحوم میر ودود سیّد یونسی "قریب 240 برگ (ورق)" را صحیح نگاشته اند و حداقل تعداد ابیات یک صفحه شامل
15 بیت را در نظر گرفته اند که در یک برگ (ورق) 30 بیت می شود. پس در آن صورت تعداد ابیات نسخه خطی 7 هزار و
200 بیت خواهد شد که در این مورد اشتباه شده است.

نسخه خطی نفیس مورد بحث که حاوی تاریخ 1076 قمری بوده و در زمان حیات صائب تبریزی کتابت شده است؛ مجدول

بوده و در دو صفحه اولش طلانداز است. در ابتدای نسخه سرلوحی ظریف و لطیف و بسیار زیبا پردازش شده که کاملاً سالم مانده است. نسخه خطی با این غزل معروف صائب شروع می شود:

زهی به غمزه جان سوز برق مذهب ها به خنده شکرین نوبهار مشرب ها
به یک کرشمه که در کار آسمان کردی هنوز می برد از شوق چشم کوکب ها
سبک روان به مهمانخانه عدم رفتند بر آستانه چو نعلین مانده قالب ها
گذشتم از سر مطلب تمام شد مطلب نقاب چهره مقصود بوده مطلب ها
از آن به تیرگی شب خوشم که مجنون را سیاه خانه لیلی بود دل شب ها
نه روز اختر و سیاره ترک ما گیرند نه شب به خواب روند این پرنده عقرب ها
فتاد تا به ره طرز مولوی صایب سپند شعله فکرش شده است کوکب ها

نکوبختانه اول و آخر نسخه خطی و اکثریت قریب به اتفاق اوراق و صفحات آن از دست برد حوادث و گذر اعصار و زمان سالم مانده است و خط نستعلیق جلی خوش کاتب به استثنای معدود موارد، عموماً خواناست و دست خط زیبای کاتب از ابتدا تا به انتهای نسخه خودنمایی می کند.

انتهای نسخه خطی نیز با غزل معروف دیگری از شاعر بزرگ صائب تبریزی مزین شده، به این صورت رقم و تاریخ کتابت به خود می گیرد:

بر زبان و دل چو کج باشد نبخشاید کسی از دم کژدم گره جز سنگ نگشاید کسی
جز شب و روز مکرر در بساطش هیچ نیست عمر ها زیر فلک چون خضر اگر باید کسی
از ثمر شیرین نسازی گر دهان تلخ را سعی کن از سایه ات چون بید آساید کسی
می شود افزون سرانجام گدازش همچو شمع هر چه از تن پروری بر جسم افزاید کسی
شور سیلاب حوادث سنگ را بیدار کرد تا به چند از خواب غفلت چشم نگشاید کسی
می شود بال و پر توفیق هنگام رحیل دست افسوسی که در دنیا به هم ساید کسی
نیست داغ عشق را حاجت به الماس جگر شهپر طاووس را بهر چه آراید کسی
می توان کرد آشنا با خاک پشت آسمان صایب از همت اگر اقبال فرماید کسی
تمت الکتاب بعون الله الملك الوهاب من کلام افصح الشعرا صایب تبریزی به تاریخ دهم جمادی الاولی 1076

صفحه ما قبل آخر نسخه خطی سلطان القرائی

استدعا از عارفان معارف معانی و عارجان معارج سخن دانی آن است که شکسته بسته ای که در حالت پربشانی خاطر تحریر یافته اگر سهوی ظاهر شود، قلم عفو بر آن کشیده به اصلاح و تصحیح آن کوشیده برین بی بضاعت خرده نگیرند. امید است با مقابله تمام نسخ مخطوط موجود از جمله نسخه خطی مکمل کلیات صائب تبریزی از کتابخانه سلطان القرائی که کار هند بوده و بیش از 70 هزار بیت شعر داشته و حاوی 130 بیت شعر ترکی نیز است و تهیه کلیات تحقیقی انتقادی، پنجره نوین و تازه ای بر زندگی، ادبیات، دیوان و اشعار فارسی و ترکی صائب تبریزی برای همگان گشوده شود.

همانطوری که مذکور افتاد نسخه خطی مورد بحث متعلق به کتابخانه شیخ الفقهاء آیت الله العظمی حاج میرزا جواد آقا سلطان القرائی تبریزی است. ایشان بزرگ ترین فرزند شیخ ابوالقاسم بن شیخ عبدالرحیم سلطان القراء تبریزی است. بعد از ظهر روز جمعه مبعث النبی بیست و هفتم رجب المرجب 1418 قمری برابر هفتم آذر 1376 شمسی یادآور رحلت ایشان است. اکنون در بیستمین سالگرد رحلت ایشان از نسخه خطی نفیس غزلیات صائب تبریزی متعلق به کتابخانه حضرتشان پرده برداری شد.

حضرت آیت الله العظمی سلطان القراء که در 13 جمادی الآخر سنه 1319 ه.ق. در محله شتریان تبریز در خانواده روحانیت، علم و ادب چشم به جهان هستی گشود؛ از جد بزرگوار خویش همچنین از اساتید و مشایخ بزرگ وقت کسب فیض کرد و مدارج مختلفه علوم را خیلی سریع طی کرد.

چنانچه در سن 22 سالگی به مقام رفیع اجتهاد رسید و این امر مورد تایید آیت الله العظمی حاج میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی واقع شد. سپس به نجف اشرف مشرف شده و در درس و بحث اساتید و مراجع تقلید شیعه در نجف شرکت کرده و اجتهاد ایشان به تایید و تنفیذ مشایخ بزرگ آن دیار از جمله حضرات آیات عظام شیخ عبدالکریم زنجانی معروف به الامام الزنجانی و ابراهیم الحسینی شیرازی الشهیر به میرزا آقا و سید ابوالحسن الاصفهانی و جمعی دیگر از فضلا و علما قرار گرفته است.

حضرت آیت الله العظمی سلطان القراء طی 15 بار سفر مکه معظمه و عتبات عالیات در کتابخانه های استانبول، بیروت، دمشق و نجف اشرف به تحقیق و تتبع و استنساخ از کتب خطی و چاپی پرداختند. ایشان اقلام خطوط نسخ و نستعلیق را بسیار شیرین و زیبا می نوشتند و در این هنر از استاد بزرگ حاج میرزا محمد حسین مکتب دار که از شاگردان میرزا سید حسین خوشنویس باشی بود، بهره و حظ وافر برده بودند.

ایشان سرشار از احساسات لطیف و ذوق ادبی بودند و برای تفنن در قالب های مختلف شعر پارسی، عربی و ترکی از جمله غزل و قصیده سروده اند همچنین قصاید در نعت پیغمبر (ص) و مراثی اساتید خود دارند ولی هرگز در صدد جمع آوری و طبع آنها نبوده اند.

حضرت آیت الله العظمی سلطان القراء نماز جمعه را واجب تعینی دانسته و روی این اصل حدود 60 سال در مسجد حاج صفرعلی تبریز نماز جمعه اقامت کرده اند و این در حالی است که تعداد نمازهای جمعه که در اقضا نقاط کشور قبل از انقلاب اسلامی اقامه می شد، بسیار محدود بوده است.

از بین آنها آقا شیخ غلامحسین تبریزی در مشهد، حضرت آیت الله العظمی اراکی در قم و حضرت آیت الله العظمی سلطان القراء در تبریز به این امر مبادرت می کردند.

ایشان دارای تألیفات، حواشی و تعلیقات عدیده ای هستند. تعداد عناوین آثار چاپ شده و چاپ نشده ایشان بالغ بر سی عنوان است. نخستین کار مطبوع حضرت آیت الله العظمی سلطان القراء تصحیح و تحشیه کلام الله مجیدی است که در شعبان 1352 ه.ق. چاپ شده است.

رساله عملیه ایشان تحت عنوان مناهج الایمان فی احکام خیرالادیان در رمضان 1372 ه.ق. به طبع رسیده است. توضیح المسائل در پائیز 1375 ه.ش. در 633 صفحه به چاپ رسیده است.

کتاب آیین خرد در فلسفه و کلام که بخشی از آن چاپ شده است، در زمستان 1387 شمسی منتخب آثار قلمی ایشان به وسیله نشر دردانه در قطع رحلی با ظاهری منقح گرد آوری و چاپ شد. کتاب وجوب نماز جمعه، رساله مهم در باب طهارت، حواشی و تعلیقات منابع دروس خارج، قصاید و مراثی و غزلیات در قالب های زیبای شعری و ملمعات و ده ها اثر دیگر که هنوز به زیور طبع آراسته نشده اند.

صفحه آخر نسخه خطی غزلیات صائب تبریزی از کتابخانه سلطان القرائی

سخنی در مورد مدفن حضرت آیت الله العظمی سلطان القراء

مدفن حضرت آیت الله العظمی سلطان القراء در محراب صحن امامزاده ابوالحسن موسی بن جعفرالجمال قرار دارد. نام امامزاده موسی، کنیه اش ابوالحسن، نام پدرش جعفر و لقب پدرش جمال به معنی جمیل و اجمل من الجمیل است (روضات الجنان، چاپ 1383، ج 1، ص هفده)، در مورد امامزاده مذکور حافظ حسین مطلبی ذکر کرده که عیناً آورده می شود.

مستنداً به نوشته حافظ حسین کربلایی تبریزی در کتاب روضات الجنان و جنات الجنان؛ مرقد و مزار آن چراغ دودمان مصطفی و مرتضی، صاحب الطوق امامزاده ابوالحسن موسی، علیه و علی آبائه الطاهرین صلوات الله الملك العلی در محله سنجان (راسته کوچه فعلی) است، مشهور و معروف به امامزاده، نسب وی (با پنج واسطه) به حضرت ابوالبراهیم امام موسی الکاظم می رسد به این نوع که، ابوالحسن موسی بن جعفرالجمال بن محمد الاکبر بن ابراهیم الاکبر بن محمد الیمانی بن عبیدالله بن الامام موسی الکاظم (ع) و حقیقت حال این مزار این است که در کتب بحورأنساب مذکور و مسطور است که امامزاده ابوالحسن موسی صاحب الطوق در زمان القائم بامرالله عباسی که بیست و ششم شخص است از خلفای عباسیه و اول دولتش در ذی الحجه سنه اثنتین و عشرين و اربعمائه (422 ه.ق.) و آخر دولتش سنه سبع و ستین و اربعمائه (467 ه.ق.) وقوع یافته، چنانچه 45 سال حکومت کرده باشد؛ از استیلا و خوف او امامزاده مذکور در شهر سنه اثنتین و ثلاثین و اربعمائه (432 ه.ق.) به آذربایجان تشریف شریف ارزانی فرمودند و در آن دیار ندای «إرجعی إلی ربک راضیه مرضیه» را جواب داده و ودیعت جان پاک به قابض ارواح سپردند.

حافظ حسین علاوه می کند، امامزاده ابوالحسن موسی صاحب الطوق که در زمان خلافت القائم بامرالله عباسی از عراق عرب به آذربایجان آمده از خوف او به واسطه آنکه وی بسی شجاع و قوی بوده از این رو ملقب به صاحب طوق علی یعنی (صاحب) قوت علی شده، مشارالیه را نزد القائم بامرالله بدگویی کرده اند و قائم در خاطر قصد آن میر کبیر داشته وی از شر او متواری بوده، چون پدرش جعفر جمال وفات یافته وی متوجه آذربایجان شده در شهر سنه اثنتین و ثلاثین و اربعمائه (432 ه.ق.) و مقیم شده به بعضی از حدود آذربایجان و در آنجا نیز در اکثر اوقات از خوف اعداء متواری بوده.

از وی أعقاب بسیار بهم رسیده؛ بعضی از آنها به شروان رفته اند در شهر سنه سبع و ثمانین و خمسمائه (587 ه.ق.) در ایام خلافت الناصرلدين الله عباسی.

بنابه نوشته ملا محمدامین حشری تبریزی، گنبد مرقد امامزاده موسی بن جعفر جمال به رنگ فلک نیلگون است و آن حضرت را امامزاده جمال می گفتند.

علتش آن است که پدر بزرگوار او به غایت جمیل بوده است و بعضی ایشان را امامزاده صاحب طوق می گفتند از آن جهت که او در دست کفار اسیر و گرفتار شده، طوق زنجیر در گردن او نهادند و در حوالی آن مکان قبل از این مسجدی بود و مناری داشت و آن مسجد را مسجد حاجت می گفتند و آن مناره نیز به مناره حاجت شهرت داشت و در پای همان مناره چاهی بوده که آن امامزاده در آن چاه محبوس بوده است.

سبب این که آن مسجد را مسجد حاجت می گفتند آن است که مسجد مذکور را زیرزمینی بوده است که در آنجا قبور چند تن از امامزاده ها و اصحاب و مردم عزیزالوجود قرار داشته و هر کسی را حاجتی و مشکلی پیش می آمده چون به آن مکان می رفته و طلب حاجت خود می کرده البته به استمداد روح پاک آن بزرگواران قضای حاجت و فتح مهمات ایشان می شده است.

حافظ حسین کربلایی تبریزی می نویسد که در همان محله گنبدی است مشهور به گنبد امیرمولا و در آنجا مزاری است

بر لوح آن نوشته که ‘‘ هذا مرقد سلاله آل طه و یس، علی بن مجاهد بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام’’. از اینجا معلوم می شود که در آن حوالی همچنین مزار امامزاده ای بوده که تنها با دو واسطه نسبش به حضرت امام زین العابدین علی می رسیده است.

جلد چرمی - ضربی نسخه خطی سلطان القرائی

اکنون ظاهراً محراب سنگی یک پارچه که در بقعه امامزاده موسی بن جعفر جُمّال قرار دارد به ادوار گذشته متعلق بوده و صفوی است که در پای آن مرقد مطهر حضرت آیت الله العظمی حاج میرزا جواد آقا سلطان القراء تبریزی قرار دارد و بقیه ساختمان از بقعه و مسجد که امروزه نیز به مسجد حاجت شهرت دارد؛ طی ازمنه گذشته دچار تغییر و تحول شده و خصوصاً در سنوات اخیر مرمت کلی و اساسی یافته است.

لوح امامزاده که در سال های اخیر آماده شده و در داخل محفظه ای قرار گرفته، در وسط بقعه واقع است. در ضلع شمالی بقعه سنگ قبری از مرمر بر دیوار آن در تغییرات اخیر قرار داده شده که متعلق است به شیخ عبدالغفار نامی که در آن حوالی مدفون بوده و ماده تاریخ وفات او ‘‘ یا غفّار 1292’’ ه.ق. است.

بقایای لوحهای قبور و دیگر آثار به جا مانده که متعلق به زمان های گذشته بوده و بعضی از آنها در حیاط محل پراکنده اند؛ دلالت بر اهمیت این مکان و لزوم صیانت و کاوش ها و تحقیقات کارشناسی و علمی آن دارند.

لوح حضرت آیت الله العظمی سلطان القراء که کالبد مطهرشان در پای محراب یاد شده مدفون است؛ سنگی است یک پارچه، از مرمر به ابعاد 154cm در 64cm که این مراتب بر روی آن نقش بسته؛ سه ترنج کوچک در بالا، وسط و پائین سنگ با الفاظ جلاله ‘‘ هو الباقی’’ ، ‘‘ هو الجواد’’ و ‘‘ هوالحی’’ قرار دارند.

دو ترنج بزرگ که در اولی عبارت ‘‘روضه مطهر مرجع عالیقدر عالم تشیع شیخ الفقهاء و المجتهدان حضرت آیت الله العظمی حاج میرزا جواد آقا ابن ابوالقاسم ابن عبدالرحیم سلطان القراء تبریزی اعلی الله مقامه’’ و در دومی عبارت ‘‘ متولد 13 جمادی الاخر 1319 هجری قمری متوفی بعد از ظهر روز جمعه مبعث النبى 27 رجب المرجب 1418 برابر با هفتم آذر ماه 1376 هجری شمسی’’ حکاکی شده و بین سه ترنج کوچک یاد شده قرار گرفته اند. در حاشیه های بالا و پائین این ابیات قرار دارند:

حیف کز چرخ فقاقت اختری زیبا برفت آه، کز گنج دیانت گوهری والا برفت
عالم وارسته و استاد فقه جعفری مرجع تقلید شیعه، صاحب فتوی برفت
و در حاشیه های کنارین نیز این ابیات نقش بسته اند:

نمونه خط نسخ آیت الله العظمی سلطان القراء

نمونه خط نستعلیق و شعر آیت الله العظمی سلطان القراء

قاریان را بود سلطان همچو اجداد و پدر بود استاد قرائت ذکر حق گویا برفت

لوح مرقد آیت الله العظمی سلطان القراء در محراب صحن امامزاده ابوالحسن موسی بن جعفر الجُمّال

با فراق خویش ‘‘ داغ تازه’’ در دلها نهاد مرغ روحش پر زنان در عالم بالا برفت
جستم از طبع رسولی ماده تاریخ او با غم واندوه گفتم: ‘‘ آن آیت کبری برفت’’ و عبارت
در ابیات فوق با حساب ابجد؛ عبارت ‘‘ داغ تازه 1418’’ ه.ق. و عبارت
‘‘ آن آیت کبری برفت 1376’’ ه.ش. ماده تاریخ وفات حضرت آیت الله العظمی
سلطان القراء به دو تاریخ قمری و شمسی است.

خط لوح سنگی حضرتشان از استاد ابراهیم بخت شکوهی، تذهیب از استاد حسین زنوزی، اشعار از حجت الاسلام و المسلمین حاج میرزا عباس رسولی و حکاکی از استاد بهرام حجاری زاده اصفهانی است.

همان گونه که ذکر شد حضرت آیت الله العظمی سلطان القراء به بعد از ظهر روز جمعه مبعث النبى 27 رجب المرجب سنه 1418 مصادف با 7 آذر 1376 در یکصدمین سال حیات خویش دار فانی را وداع گفته و به دیار باقی شتافت.

صبح روز یکشنبه 9 آذرماه 1376 کالبد مطهرش در میان مشایعت دریای مقلدین، دوستداران و عموم طبقات مردم تبریز در امامزاده ابوالحسن موسی بن جعفر الجُمّال واقع در راسته کوچه تبریز در جوار نواده حضرت امام موسی کاظم به خاک سپرده شد.

خداایشان قرین رحمت کناد!

نگارنده: محمد امین سلطان القرائی